

بررسی رابطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران

محبوبه اسماعیلی^۱، اسماعیل کاوسی^۲، عباسعلی قیومی^۳

چکیده

تربیت یکی از مباحث مورد توجه ادیان و مکاتب مختلف در طول قرون و اعصار بوده است یکی از مهمترین ابعاد تربیت، بعد تربیت فرهنگی است. برای تربیت فرهنگی بهترین دوران، دوران کودکی است. این تحقیق در راستای بررسی نقش فعالیت‌های فرهنگی مدارس در تربیت فرهنگی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و تحلیلی است. جامعه آماری دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه می‌باشند. تعداد آنها حدوداً ۱۵۰۰ نفر که (بر اساس شیوه نمونه‌گیری مندرج در جدول مورگان) تعداد ۳۰۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. سپس بر اساس مدل مفهومی پژوهش، سوالات و فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، گویه‌های مستخرجه در نمونه آماری تحقیق مورد پرسش قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی، توصیف داده‌ها در دو بخش متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای اصلی ارائه گردیده و در بخش آمار استنباطی، جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون همبستگی اسپیرمن (ناپارامتری) استفاده شده است. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی می‌توان گفت فعالیت‌های فرهنگی مدارس بر تربیت دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران تاثیر مثبت دارد. تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش‌آموزان دارای رتبه اول می‌باشد و متغیر تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش‌آموزان دارای رتبه آخر می‌باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، تربیت فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی مدارس، آموزش و پرورش منطقه ۵ شهر تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۶

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استاد گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) ekavously@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مشکلات و نابسامانی‌های هر جامعه ریشه در مسایل تربیتی و فرهنگی دارد. پیشرفتهای اقتصادی، علمی و آموزشی بر اثر فقر فرهنگی، خنثی و بی اثر می شوند. مباحثی چون تربیت و فرهنگ، در تمام اعصار و دوره‌ها برای همه جوامع و ملت‌ها مهم بوده و در عصر حاضر با توجه به فشارها و تحریم‌های بین‌المللی استکبار بر کشورهای در حال توسعه، دارای اهمیت مضاعف می باشد. فرهنگ به عنوان گنجینه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشری که باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، و هنجارهای مورد قبول یک جامعه را در طول تاریخ به وجود آورده است، نوع رفتار مردم آن جامعه را مشخص می کند. بدیهی است که نمی توان بدون اعتنا به این مقوله بسیار مهم به دنبال ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود، چرا که هرگونه تغییر و تحولی در تمامی ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط به نوعی پذیرش فرهنگی، در جامعه می باشد (ابتهاج، ۱۳۹۳: ۷). شاید بتوان یکی از مهم ترین ابعادی که ذهن انسان را در طول سال‌ها به خود معطوف داشته است را موضوع تربیت آینده در نظر گرفت، تربیتی که در هر مکان و زمان مقتضیات خاص خود را داشته است و نهایتاً تربیتی که زاینده آموزشهای ترجیحی و کارآمد زمانه خود می باشد؛ توانسته مجموعه‌ای از قواعد را تشکیل دهد که از آن به عنوان فرهنگ یاد شده است. تربیت و فرهنگ دو مقوله و حوزه بسیار ظریف و پیچیده و مؤثر بر یکدیگرند. تربیت زمینه ساز رشد و شکوفایی استعدادها و ظهور و بروز توانمندی افراد جامعه و فرهنگ بر چگونگی این بروز و ظهور استعدادها در کنار سایر عوامل تأثیرگذار می باشد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰).

تربیت فرهنگی فرآیندی است که منجر به تسهیل فهم فرهنگ، میراث فرهنگی، ارزش سنجی و توسعه میراث فرهنگی می گردد. البته شایان ذکر است که بسیاری از آموزه‌ها به صورت غیررسمی ارائه می گردد که خارج از چارچوب کلاسیک و رسمی، ملموس شده و حتی گاهی اثری بسیار عمیق تر از آموزشهای رسمی را در آن می توان رؤیت نمود. از سوی دیگر، خود فرهنگ نیز قواعدی دارد که بسیاری از آنها نانوشته و در عین حال لازم‌الرعايه است. مدرسه به عنوان مکانی معین و تخصصی به این مقوله (آموزش) پرداخته است که یکی از ابزارهای لازم جهت آموزش

موضوعات دینی می باشد و از دیرباز در کلیه جوامع مدنظر بوده و حتی گاهاً منجر به تشکیل مدارس با چارچوب دینی و مذهبی گردیده است؛ نمونه این مدارس در اکثر مناطق دنیا با عنایت به میزان تبلیغ و از سویی ارزشی که برای دین و مذهب قائل گردیده اند قابل رؤیت می باشد. برنامه ریزی دروس دینی به عنوان یک فرآیند و برنامه این دروس به عنوان یک سند، نقش مؤثری در تربیت دارند، ولی آسیب هایی نیز آن را تهدید می کند. نخستین آسیب، فقدان برنامه ریزان و کارشناسان با صلاحیت در طراحی و تولید برنامه های درسی و دینی و همچنین ارائه مدلی مناسب جهت تربیت فرهنگی می باشد (مرادی، ۱۳۹۰: ۳۸). فلسفه وجودی تربیت فرهنگی به این است که زمینه رشد توانمندی های فطری را فراهم سازد و نگذارد عوامل محیطی و نظام های فرهنگی و تربیتی غیر صحیح، در انسان تأثیر منفی گذارده و او را به بیراهه بکشانند و موجب خسران وی شوند (شاملی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۰). البته این توانمندی باید طبق اصولی منطقی و منطبق با استعداد های افراد ارائه گردند، تا معیار ها و قواعد و مفاهیم پذیرفته شده به وسیله روش ها و شیوه های تربیتی در جهت معیارهای مکتب اسلامی پیش بروند (رحیم زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۷).

آموزه های اسلامی به تربیت فرهنگی انسانها به عنوان وجهی از ملزومات تحقق انسان کامل، اهمیت ویژه ای قایل هستند و در این زمینه بالاترین مسئولیت را متوجه نهاد تعلیم و تربیت می دانند که یکی از مهمترین کانون های احیای ویژگی ها و قابلیت های فردی بوده و در فعلیت درآوردن شخصیت، استعداد فطری و شکل دهی رفتار آنان نقش بسزایی دارند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳). در تمام جوامع بشری به ویژه در جامعه ایران که مذهب نقش عمده و عمیقی در زندگی انسان ها دارد، تقویت این باورها در فرهنگ عمومی جامعه، سلامت و ارتقای جایگاه انسانی و شهروندی را در پی خواهد داشت. گزاره ها و آموزه های این دین الهی چنان دقیق و ظریف است که تمام ابعاد زندگی شهروندی را شامل شده و توجه و عمل به آنها در بعد اجتماعی، ارتقای معنویت شهری و سلامت و ثبات آنرا در پی دارد (حسینی، ۱۳۹۵: ۲۵). فرهنگ اسلامی علاوه بر برقراری نظم عمومی، مناسبات اجتماعی را نیز سامان می بخشد. اندیشه و فرهنگ اسلامی تضييع حقوق دیگران، بی نظمی و بی عقّتی را برنمی تابد و در مقابل به نظم فردی و اجتماعی، احترام به

حقوق دیگران، عدل و قسط، احسان، تقدیم مصالح معنوی به منافع مادی، نوع دوستی و مهرورزی تأکید دارد. بدون تردید حاکم شدن این ارزش‌ها بر جامعه، ارتباط‌های انسانی را زیباتر، ناهنجاری‌ها را برطرف و انسانیت را متعالی خواهند کرد. ترویج و رشد اندیشه اسلامی در میان فرهنگ عمومی، نیازمند برنامه‌ریزی و فعالیت منسجم است. بسیاری از ارزش‌های ملی و مذهبی ما قابلیت بروز و ظهور در قالب فرهنگ عمومی را دارند که چنانچه برای وارد کردن آنها به عرصه زندگی فردی و اجتماعی فعالیت‌های لازم صورت بگیرد، مجموعه‌ای غنی و پویا به عنوان فرهنگ اسلامی شکل می‌گیرد که بیانگر پیشینه تاریخی و فرهنگی در کنار غنا و استحکام مذهبی خواهد بود و برخوردار از آن، تعالی فرد و جامعه را موجب خواهد شد. مدل‌های تربیت فرهنگی در جوامع اسلامی، مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی بوده و دارای جهان‌بینی توحیدی، معنویات، اخلاق هستند. این مدل‌ها همچنین نیازهای مادی و معنوی انسانها را نیز در نظر گرفته و به آنها می‌پردازند (ابتهاج، ۱۳۹۳: ۴۱). در این راستا، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که آیا بین فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش‌آموزان ارتباط وجود دارد؟ برای پاسخ به این سؤال دستیابی به اهداف زیر مد نظر است: هدف اصلی: شناسایی رابطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران

اهداف فرعی:

- شناسایی رابطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران
- شناسایی رابطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه گرایشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران
- شناسایی رابطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران

با توجه به اهداف فوق فرضیه اصلی و فرضیه‌های فرعی زیر مطرح شد:

99 بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در

فرضیه اصلی: بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه وجود دارد.

- بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه وجود دارد.
- بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه گرایشی دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه وجود دارد.
- بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه وجود دارد.

فرهنگ نظام مشترکی از باورها، ارزش ها، رسوم، رفتارها و مصنوعات است که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان خود و در رابطه با یکدیگر به کار می برند و از طریق آموزش، از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. فرهنگ، مفهومی است که از پیچیدگی بالایی برخوردار است و برای فهم آن نیازمند ساده سازی و شفاف سازی هستیم. این ساده سازی در تحقیق بر اساس تعریف فرهنگ، تبیین کارکردها و شیوه عمل در قلمرو مکانی و زمانی صورت می پذیرد. از این رو، بر مبنای پیچیدگی بالای آن از بعد موضوعی، به صورت لایه ای تعریف شده است. لایه اعتقادات و باورها، ریشه در گذشته، لایه رفتارها بر مبنای کارکردهای فرهنگ، ریشه در زمان حال و لایه ارزش ها، مطلوبیت فردی و اجتماعی ریشه در زمان آینده دارد. به طور مثال در حوزه روش های آینده پژوهی، اخذ نظر خبرگان در روش هایی مانند طوفان فکری، دلفی، سناریو و ... در جهت تبیین آینده های مطلوب اشاره به لایه ارزش ها و مطلوبیت فردی (آینده) دارد.

در بحث تربیت انسان، مفهوم تربیت بر پرورش دادن استعداد های انسانی یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می کند. تربیت رفع موانع و ایجاد مقتضیات است تا استعداد های انسان از قوه به فعل درآید و شکوفا گردد؛ و چون در تربیت اسلامی، مقصد و مقصود «کمال مطلق» است، می توان تربیت را چنین تعریف کرد: «رفع موانع موجود و ایجاد مقتضیات برای آنکه

استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۲). به عبارت دیگر، تربیت «فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفا کردن استعدادهای بالقوه انسان در جهت مطلوب است» (فایضی و آشتیانی، ۱۳۷۷: ۳۲). تربیت، فرایندی جامع و کامل است. در این فرایند، باید به تمام زوایای وجود انسانی و همه استعدادها و توانایی‌های طبیعی و فطری او توجه شود و برای رشد، پرورش و هدایت آنها برنامه‌ریزی گردد. اندیشمندان و نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت با نگاه همه‌جانبه به تربیت، آن را در ساحت‌های متنوع و متعددی طبقه‌بندی کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های آن، تربیت فرهنگی می‌باشد. تربیت فرهنگی فرایندی است که منجر به تسهیل فهم فرهنگ و میراث فرهنگی، ارزش‌سنجی و توسعه آن می‌گردد. (بلاغت و هاشمی، ۱۳۹۲: ۹). به عبارت دیگر، تربیت و فرهنگ دو مقوله و حوزه ظریف و پیچیده هستند که مؤثر بر یکدیگر می‌باشند. تربیت زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعدادها و ظهور و بروز توانمندی‌های افراد جامعه بوده و فرهنگ با همه عناصر و ارکان و مؤلفه‌های آن، مؤثر بر چگونگی این بروز و ظهور استعدادها در کنار عوامل اثرگذار دیگر می‌باشد. (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰).

آموزش و پرورش در کنار آن سایر نهادهای دیگر اجتماعی مسئولیت اهتمام به امر تربیت دینی آحاد مردم را عهده‌دار می‌باشند. جریان تعلیم و تربیت از طریق نهادهای رسمی، یکی از مهمترین و هدفمندترین بخش‌های تعلیم و تربیت آدمی است؛ چنانکه در بند چهار پیش‌گفتار کلیات طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش آمده است: «چون وظیفه اصلی نظام آموزش و پرورش، تربیت انسانهای الهی و هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلامی است، لازم است تزکیه و تربیت همچون نوری بر تمامی اجزاء و برنامه‌های نظام بتابد و به منزله بستری برای یکایک آنها باشد.» توجه به این مهم که تزکیه نه تنها از تعلیم جدا نیست، بلکه به صورتی انفکاک‌ناپذیر به آن پیوسته است و بر آن تقدم رتبی دارد، موجب می‌شود که در کلیه مراحل سازماندهی و اجرای نظام، تربیت متعادل و متوازن تمام ابعاد شخصیت انسان تا وصول به درجه‌ی انسان کامل جهت اصلی حرکت باشد». با گذشت چهار دهه از استقرار نظام اسلامی و با وجود تلاش‌های انجام‌شده جهت آشناسازی کودکان و نوجوانان با اصول و مفاهیم دینی و اخلاقی، تحقیقات انجام‌شده در مدارس، نشانگر آن است که

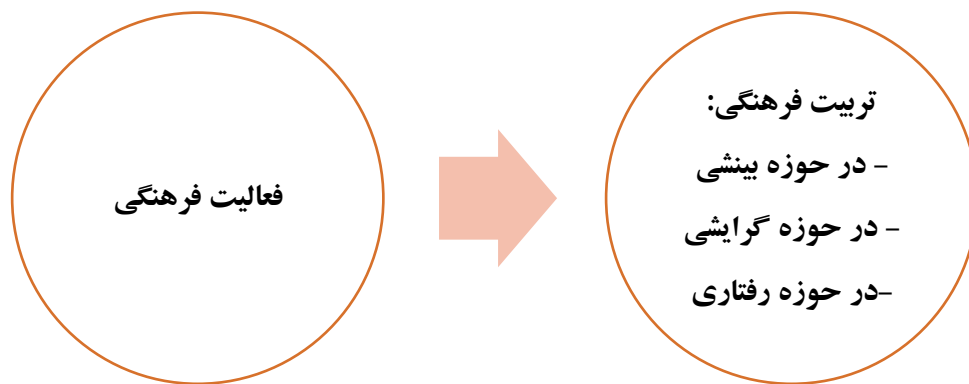
101.....بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در

مسأله آموزش دینی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده، گاه با تأثیرات معکوس نیز همراه گردیده و باعث شده است تا ناکارآمدی مذکور تا حد زیادی در بحران آفرینی ها و کاستی های مشاهده شده در رفتارهای دینی نسل نوجوان و جوان ما سهم بیشتری داشته باشد (عبدی، ۱۳۹۳: ۸۷). از سوی دیگر، در بررسی های به عمل آمده در زمینه آموزش دینی و کیفیت آن، می توان گفت وضع موجود در مدارس از جهات مختلف و به علل گوناگون از جمله برنامه های درسی، نیروی انسانی و امکانات، رضایت بخش نبوده است؛ چنانچه در تحقیقات انجام شده، نوجوانان احساس دلزدگی نسبت به درس دینی نشان داده اند (مرادی، ۱۳۹۰: ۲۸).

به گفته مرسیر و دانورگ^۱ دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش از اساسی ترین نهادهای اجتماعی در هر جامعه به شمار می روند. وجه مشترک این دو نهاد از نظر کارکردی، تربیت و ارائه قواعد الگوی و هنجارهای اخلاقی و رفتاری مطلوب به منظور زیست سعادت مندانه در ابعاد فردی و اجتماعی است. فصل مشترک این دو نهاد علاوه بر رشد و تعالی معنوی و همچنین فراگیری ارزش های الهی و انسانی، آماده ساختن کودکان و نوجوانان برای برعهده گرفتن نقش های خانوادگی (مانند نقش پدری، مادری، فرزندی و ...)، نقش های اجتماعی (شهروندی مطلوب و فعال در امر مشارکت اجتماعی)، نقش اقتصادی (نیروی اقتصادی مولد و کارآ)، نقش فرهنگی (پایبندی به آرمان ها و ارزش های معنوی) و نقش سیاسی (مشارکت فعال در فعالیت های سیاسی و تصمیم گیری گروهی) است (مرسیر و دانورگ، ۲۰۱۵: ۵۲۷). از طرفی نظام های آموزشی در دوران مدرن به عنوان نهادهای تربیتی و فرهنگ ساز فقط به انتقال بعد دانشی به دانش آموزان محدود نبوده و وجه هنجارین و ارزش بنیان آن ها نیز مطرح بوده (Berkowitz and Bier, 2015) و این یک اصل پذیرفته شده است که کارکرد مدرسه فقط به این عامل خلاصه نمی شود که افرادی هوشمند پرورش دهند که در دنیای رقابتی امروز بتوانند از رقبا گوی سبقت را برابند، بلکه در کنار این کارکرد از مدرسه انتظار می رود که فراگیران تحت آموزش خود را به گونه ای پرورش دهند که توانایی آن را داشته باشند

¹ Mercier and Donverg

که درست را از نادرست اخلاقی تشخیص دهند (Anderson, 2014). به عبارت دیگر، در صورتی که وظیفه مدرسه را تربیت نسل نوحاسته بدانیم و هم‌چنین اگر جامعیت اصطلاح تربیت را بپذیریم که فراتر از توجه به توسعه علمی شخصیت کودکان است، کارکرد نهاد مدرسه فراتر از توزیع دانش خواهد بود (Hassni, 2014). بر همین اساس تربیت اخلاقی همیشه یکی از اهداف اصلی و پایدار در نظام‌های آموزشی در سطح دنیا بوده است (Sandeep, ;Bischoff, 2016) و آموزش اخلاقیات و ارزش‌ها به‌عنوان یک مسئولیت مهم و سنگین بر دوش نظام‌های آموزشی و تربیتی جهان احساس می‌شود (Kristjánsson, 2015) و مدارس نمی‌توانند و نباید در برابر موضوع اخلاق ساکت باشند (Hassni, 2016).



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

روش‌شناسی

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه مدارس آموزش و پرورش در منطقه ۵ شهرداری تهران می‌باشند که حدوداً ۱۵۰۰ نفر می‌باشند. با توجه به قابلیت دسترسی به کل جامعه مورد مطالعه برای محقق،

103.....بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در

جهت نمونه گیری از روش غیر احتمالی استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش حاضر ۳۰۶ نفر از دانش آموزان پسر مقطع متوسطه مدارس در منطقه ۵ شهرداری تهران می باشند. برای سنجش فعالیت های فرهنگی مدارس از ابعاد (فعالیت های فرهنگی مدیران، فعالیت های فرهنگی معلمان، مشارکت فرهنگی والدین) استفاده شده است که دارای ۷ گویه می باشد و برای سنجش تربیت فرهنگی دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران از ابعاد (تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش آموزان، تربیت فرهنگی در حوزه گرایشی دانش آموزان و تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان) استفاده شده است که دارای ۹ گویه می باشد. در این تحقیق از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف جهت تعیین نرمال بودن داده ها و آزمون همبستگی اسپیرمن جهت بررسی فرضیه های تحقیق استفاده شده است.

یافته ها

فرضیه اصلی: بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه وجود دارد.

جدول (۱): آزمون فرضیه اصلی

متغیر		فعالیت های فرهنگی مدارس
تربیت فرهنگی دانش آموزان	ضریب همبستگی	۰/۵۸۴
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

با توجه به جدول مقابل مقدار ضریب همبستگی برابر ۰/۵۸۴ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ (مقدار خطای تحقیق) می باشد، بنابراین با اطمینان ۹۹٪ می توان گفت فرض صفر رد شده و بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه وجود دارد.

جدول (۲): آزمون فرضیه فرعی اول

متغیر	فعالیت‌های فرهنگی مدارس
تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش‌آموزان	۰/۳۷۱
	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰
	سطح معنی داری

با توجه به جدول مقابل، مقدار ضریب همبستگی برابر ۰/۳۷۱ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ (مقدار خطای تحقیق) می‌باشد، بنابراین با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت فرض صفر رد شده و بین فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه معنی دار وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه گرایشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول (۳): آزمون فرضیه دوم

متغیر	فعالیت‌های فرهنگی مدارس
تربیت فرهنگی در حوزه گرایشی دانش‌آموزان	۰/۶۱۹
	ضریب همبستگی
	۰/۰۰۰
	سطح معنی داری

با توجه به جدول مقابل، مقدار ضریب همبستگی برابر ۰/۶۱۹ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ (مقدار خطای تحقیق) می‌باشد، بنابراین با اطمینان ۹۹٪ می‌توان گفت فرض صفر رد شده و بین فعالیت‌های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه گرایشی دانش‌آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه معنی دار وجود دارد.

105.....بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در.....

فرضیه فرعی سوم: بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول (۴): آزمون فرضیه سوم

متغیر	ضریب همبستگی	فعالیت های فرهنگی مدارس
تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان	۰/۴۲۷	
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

با توجه به جدول مقابل، مقدار ضریب همبستگی برابر ۰/۴۲۷ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می باشد. با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ (مقدار خطای تحقیق) می باشد، بنابراین با اطمینان ۹۹٪ می توان گفت فرض صفر رد شده و بین فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان در آموزش و پرورش منطقه ۵ شهرداری تهران رابطه معنی دار وجود دارد. جهت رتبه بندی متغیرهای تحقیق از آزمون فریدمن استفاده شده است. این آزمون مشخص می نماید که میزان اثرگذاری فعالیت های فرهنگی مدارس بر ابعاد متغیر تربیت فرهنگی چگونه است را داشته است.

جدول (۵): آزمون فریدمن

آماره کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱۲/۴۹۸	۲	۰/۰۰۲

با توجه به جدول ۵ مشاهده می شود سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است، با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت شاخص ها دارای اولویت های متفاوتی هستند.

جدول (۶): رتبه بندی ابعاد

رتبه	میانگین رتبه	ابعاد
۱	۲/۱۲	تربیت فرهنگی در حوزه بینشی دانش آموزان
۲	۱/۸۶	تربیت فرهنگی در حوزه گرایشی دانش آموزان
۳	۱/۰۲	تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان

با توجه به جدول ۶ تربیت فرهنگی در حوزه پیشی دانش آموزان دارای رتبه اول می باشد و فعالیت های فرهنگی مدارس بیشترین تاثیر را بر کارایی کارکنان دارد و متغیر تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان دارای رتبه آخر می باشد و فعالیت های فرهنگی مدارس کمترین تاثیر را بر تربیت فرهنگی در حوزه رفتاری دانش آموزان دارد.

بحث و نتیجه گیری

مباحثی چون تربیت و تربیت فرهنگی در تمام اعصار و دوره ها برای همه جوامع و ملتها مهم بوده و در عصر حاضر با توجه به فشارها و تحریم های بین المللی استکبار بر کشور های در حال توسعه، دارای اهمیتی مضاعف می باشد. فرهنگ؛ نظام مشترکی از باورها، ارزش ها، رسوم، رفتارها و مصنوعات است که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان خود و در رابطه با یکدیگر به کار می برند و از طریق آموزش، از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. این تعریف نه تنها الگوهای رفتار، بلکه الگوهای اندیشه (معانی مشترکی که اعضای یک جامعه به پدیده های گوناگون طبیعی و فکری از جمله دین و ایدئولوژی نسبت می دهند)، مصنوعات (ابزارها و کارهای هنری) و مهارت ها و فنونی را در بر می گیرد که در ساخت مصنوعات به کار گرفته می شوند. (مرسیر و دانورگ، ۲۰۱۵: ۵۲۸). رابرت ردفیلد (۱۹۸۲) نیز فرهنگ را چنین تعریف می نماید: فرهنگ، تفاهمی قراردادی است که در اعمال و ساخته ها تجلی میکند و جوامع را از یکدیگر متمایز می سازد. (محمودی، ۱۳۹۲: ۴۱). فرهنگ، مفهومی است که از پیچیدگی بالایی برخوردار است و برای فهم آن نیازمند ساده سازی و شفاف سازی هستیم. این ساده سازی در تحقیق بر اساس تعریف فرهنگ، تبیین کارکردها و شیوه عمل در قلمرو مکانی و زمانی صورت می پذیرد. از این رو، بر مبنای پیچیدگی بالای آن از بعد موضوعی، به صورت لایه ای تعریف شده است.

لایه اعتقادات و باورها، ریشه در گذشته، لایه رفتارها بر مبنای کارکردهای فرهنگ، ریشه در زمان حال و لایه ارزش ها، مطلوبیت فردی و اجتماعی ریشه در زمان آینده دارد. به طور مثال در حوزه روش های آینده پژوهی، اخذ نظر خبرگان در روش هایی مانند طوفان فکری، دلفی، سناریو و ... در جهت تبیین آینده های مطلوب اشاره به لایه ارزش ها و مطلوبیت فردی (آینده) دارد. در جمع بندی،

107 بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در.....

«فرهنگ» عبارت است از رفتارهایی که بر پایه اعتقادات و باورها برای خلق و تقویت ارزش ها در سه بعد زمانی گذشته، حال و آینده صورت می پذیرد. با این رویکرد تعریف ویلیامز از فرهنگ به عنوان «روش کلی زندگی» قابل تحلیل است که زندگی بر مبنای اعتقادات و باورها در جهت آینده سازی بر پایه ارزش ها و رفتارهای روزمره افراد به دست می آید (رومانوسکی، ۲۰۰۸: ۱۸).

اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد. هویت هر جامعه در برگیرنده همه نقشها و گرایشهای افراد آن جامعه است که بر اثر فرآیند اجتماعی شدن، درونی شده است. بنابراین تغییر و تحول و سعادت و شقاوت جوامع به فرهنگ وابسته است و جوامع بر اثر تغییر و تحول فرهنگی شکل می گیرند؛ باقی می ماند؛ تغییر می کنند و یا حتی از نو ساخته می شوند (خنکدار طارسی و سلحشوری، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

از نظر اسلام، مأموریت پیامبران، تربیت فرهنگی است تا در سایه آن، عدالت و تعادل به کمک توده های مردم برقرار شده و تکامل بشری بلکه هستی به عنوان هدف غایی در چارچوب حکمت و اهداف آفرینش انسان، صورت بگیرد.

اسلام برای تعلیم و تربیت اهمیت خاصی قائل است چنانکه هر جا سخن از ارسال رسولان به میان می آورد، تعلیم و تربیت و تزکیه را برنامه اصلی آنان قرار می دهد. خداوند متعال برای انسان مقرر فرموده است که به اختیار خود و با پیروی از دستورات پیامبران و برنامه های آسمانی و با کوشش و تلاش پیگیر، کسب تعلیم و تربیت کند و به مقام شایسته انسانی برسد زبرا سرکشی غرایز حیوانی و ظلمات جهل و خواهشهای نفسانی را جز با تربیت صحیح و الهی نمی توان مهار و بر طرف کرد. تعلیم و تربیت از سیاست های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی بعثت رسول خدا (ص) است. پیامبر اسلام (ص) تربیت را از خویش و خویشاوندانش آغاز کرد و به تعلیم و آموزش نیز از اولین روزهای هجرت همت گمارد. این، خود نشانگر اهمیت آن دو مقوله دینی و قرآنی است. با تفکر قوای درونی انسان شکوفا می شود و زمینه ی حرکت کمالی او فراهم می گردد لذا به همراه علم آموزی و تفکر تربیت یا پرورش اخلاقی و تهذیب نفس نیز مطرح می شود که در اسلام بر این امر بسیار تاکید شده و از همان ظهور اسلام مبادی و مبانی تعلیم و تربیت به عنوان یک علم بنا نهاده شده است. رهبر

انقلاب می‌فرماید "یکی از مسائل ارزشمند و کارساز در زندگی بشر، علم و آگاهی است. علم، افزون بر اینکه وسیله‌ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن، بخودی خود نیز مطلوب بشر است. برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان رهبر انقلاب در اهمیت و ضرورت علم آموزی فرمود یک کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه و بیشترین نگاه و توجهش، به انسان و نیروی انسانی باشد" (اسکندری، ۱۳۹۴: ۱).

تربیت فرهنگی را توان یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند. نقش تربیت فرهنگی در شکل‌گیری تمدن اسلامی انکارناپذیر است. از آنجا که اعتبار هر ملت، به استقلال آن جامعه وابسته است و اگر جامعه‌ای در عرصه فرهنگ خدشه‌دار شود، نابودیش حتمی خواهد بود، امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «تا این ملت از غربزدگی بیرون نیاید، استقلال پیدا نمی‌کند ... تا از این تقلید بیرون نیاید، نمی‌توانید آدم باشید. نمی‌توانید مستقل باشید. از مردم می‌خواهیم تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غربزدگان، که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است، پشت پا بزنند. خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نجات می‌دهیم». (خنکدار طارسی و سلحشوری، ۱۳۹۲: ۱۲۰)

توجه به تربیت فرهنگی و مهندسی آن از دغدغه‌های مهم اسلام به شمار می‌رود، لذا همواره بر اصلاح فرهنگ توجه نموده و خواهان رهایی از فسادهای فرهنگی در همه عرصه‌ها و عناصر تربیت فرهنگی می‌شود، چرا که فساد در هر عرصه‌ای از حوزه فرهنگی به سرعت در جنبه‌های دیگر سرایت کرده و روح و روان تمدن را بیمار می‌کند و از کارایی می‌اندازد (ابتهاج، ۱۳۹۳: ۱۹). با نگاهی به آیه ۲۵ سوره انفال و آیه ۱۱ سوره رعد این معنا به دست می‌آید که فرهنگ از جمله اموری است که قابل تغییر، کنترل و مدیریت است. این به آن معناست که می‌توان از تربیت فرهنگ سخن گفت، زیرا تربیت به معنای برقراری نسبت تعادلی و تکاملی میان عوامل یا متغیرهای تشکیل دهنده یک مجموعه برای نیل به اهداف مورد نظر و قابل دسترس است. پس فرهنگ نیز به سبب آن

109 بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در.....

که دارای عناصر و اجزاء چندی است که قابلیت تعادل و عدم تعادل را دارد و افساد و اصلاح پذیر است، می تواند مورد پرورش قرار گیرد تا عناصر آن به درستی در کنار هم قرار گیرد و اهداف مورد نظر را تحقق بخشد (اسماعیلی و حقیقیان، ۱۳۹۳: ۲۵).

تربیت فرهنگی اسلامی می بایست در چارچوب آموزه های وحیانی اسلام انجام گیرد، زیرا این آموزه ها در بردارنده نظام فکری و فرهنگی و نیز اخلاقی، رفتاری، حقوقی و قانونی خاصی است که فرهنگ اسلام را بیان می کند. هدف از تربیت فرهنگی مبتنی بر اسلام، مدیریت با توجه به فقدان تمدن اسلامی در جهان معاصر می توان این معنا را اثبات کرد که منابع انسانی فاقد فرهنگ اسلامی است، زیرا اگر روح فرهنگ اسلامی در جان مسلمانان وجود داشت، بطور طبیعی تمدن اسلامی تحقق می یافت. بنابراین، می بایست تمام تلاش و همت خود را مبدول این معنا کنیم که منابع انسانی را بر اساس فرهنگ اسلامی تعلیم و تربیت کنیم و همه این ها در زمانی شکل می گیرد که از نظر منابع انسانی به غنا و ثروت فکری و فرهنگی دست یافته باشیم زیرا بدون منابع انسانی خلاق، متفکر، فعال و با اعتماد و انگیزه، نمی توان به این چیزها رسید. بنابراین لازم است که همه تلاش ها بر این متمرکز شود که منابع انسانی جامعه به درستی از نظر فکری و فرهنگی ساخته و تربیت شوند.

منابع

- ابتهاج، امیر (۱۳۹۳). تربیت فرهنگی و توسعه فرهنگی. اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی. اسکندری، محمدرضا (۱۳۹۴). جایگاه تعلیم و تربیت از منظر مقام معظم رهبری. دومین کنگره فرهنگ و اندیشه دینی. اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۵). فرهنگ تربیت. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- اسماعیلی، رضا و حقیقیان، منصور (۱۳۹۳). تاثیر دین بر هویت انسان. اولین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی. بلاغت، رضا و هاشمی، احمد (۱۳۹۲). فرهنگ و تعلیم و تربیت. لامرد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد.
- پورغرت، علی اصغر و همکاران (۱۳۸۷). الگوی مطلوب طراحی دانشگاهها در عصر جهانی شدن. ماهنامه دانشگاه اسلامی،

سال دوازدهم، شماره ۴۱. ۲۲-۳

- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۳). درآمدی بر نظام تربیتی اسلام. قم: مرکز جهانی علوم انسانی.
- حسینی، شهناز (۱۳۹۵). بررسی شیوه های جذاب نوجوانان دختر به شرکت در مراسم مذهبی از دیدگاه دانش آموزان و دبیران ناحیه ۲ شهر همدان. طرح پژوهشی سازمان آموزشی و پرورش استان همدان.

۱۱۰.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

- خنکدار طارسی، معصومه و سلحشوری، احمد (۱۳۹۲). عوامل تربیت فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره). فصلنامه پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۱، دوره جدید، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۲. ۱۱۵-۱۳۳.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷). سیری در تربیت اسلامی. تهران: انتشارات خانه اندیشه.
- رحیم زاده، کبری و همکاران (۱۳۹۰). اصول تعلیم و تربیت در قرآن و سنت. چکیده مقالات همایش ملی امام خمینی و تعلیم و تربیت. قم: دانشگاه قم.
- رهنما، اکبر (۱۳۹۱). بررسی و تبیین اصول و روشهای تربیتی از منظر امام خمینی. مجموعه مقالات همایش ملی امام خمینی (ره) و تعلیم و تربیت اسلامی.
- شاملی، عباسعلی و همکاران (۱۳۹۰). برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی. ماهنامه اسلام و پژوهشهای تربیتی، سال سوم، شماره ۲. ۷۷-۹۸.
- شمخانی، اژدر؛ نورعلیان، یاور؛ عاشوری، مظاهر و مالمیر، سعید (۱۳۹۳). اصول و روش‌های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ره). فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۲۹. تابستان ۱۳۹۳. ۱۱۳-۱۳۶.
- عبدی، عباس (۱۳۹۳). مقدمه ای بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران. تهران: نشر نی.
- فایضی، علی آشتیانی، محسن (۱۳۷۷). مبانی تربیت و اخلاق اسلامی. قم: انتشارات روحانی.
- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۰). فرهنگ توصیفی علوم تربیتی. تهران: نشر شباهنگ.
- محمودی، جواد (۱۳۹۲). تربیت فرهنگی با رویکرد اسلامی و علوی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور واحد همدان.
- مرادی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی علل گرایش جوانان به دین در شهر همدان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.
- نجفی، حسن؛ وفایی، رضا و جعفری هرنندی، رضا (۱۳۹۴). بازیابی اصول تربیت فرهنگی از آموزه‌های اسلامی. ماهنامه معرفت، سال ۲۴، شماره ۲۰۹، اردی بهشت ۱۳۹۴. ۲۸-۱۳.
- Anderson, D. (2014). Character Education: Who is Responsible? *Journal of Instructional Psychology*, 27(3): 139- 159.
- Berkowitz, M. W. & Bier, M. C. (2015). Research-based character education. *Annals of the American Academy of Political and social Science*: 591, 72-85.
- Hassani, M. & Vojdani, F. (2016). Review and critique the pattern of moral education in the Qur'anic textbook of elementary school. *Research on issues of Islamic education*, 24 (32): 127-161 [In Persian.]
- Hassani, M. (2014). The study of the evolution of the curriculum of moral education in Iran with emphasis on general course. *Journal of curriculum Studies*, 9 (33): 57-92 [In Persian.]
- Kristjánsson, K. (2016). *Aristotelian Character Education*. London: Routledge.

111..... بررسی رابطه فعالیت های فرهنگی مدارس و تربیت فرهنگی دانش آموزان در

Mercier. J. & Mc Donvrg (2015) “Family Planning Education. How Do Adilts Feel about it? “Family relation. Vol:33, No: 4, PP:523-530.

Romanowski, M.H. (2008) Is School Prayer the answer? Educational forum Vol:66, NO:2.

Sandeep, K. (2015). Moral Values Education. Journal of Humanities and Social Science, 20 (3): 18-36.